

وسيله نجات (۳)

از استاد علامه : مرحوم آقامیرزا محمد علی مدرسی چهاردهی

خدا را درك كنيم و بدانيم كه او دارای صفات نیست او عین ذات است و ذاتش مجرد و محیط و بسیط صرف است. او عالم بعلم نیست بلکه عالم بذات است این مطلب لازم بتحقیق نیست. لازم به تکرار نیست. حقیقت محض است. مثل آفتاب میدرخشد و خیره میکند اگر غفلتی پیش آید. از خیرگی است از تابش نور لایزال اوست. که در نورش محو میشویم و در نعمتش

→ و بلا اثر خواهد بود. این توجه مرا بسیار مطلب مهم دیگری انداخت و آن مطلب این بود که مائریالیستها میگویند:

روح و زندگی از خواص ماده است و در پیرامون این ادعا دلایلی می آورند که با روح منطبق سازگار نیست. اینان کارخانه خلقت را همیشه در موقع کار کردن مشاهده نموده اند و چنین پنداشته اند که نیروی حرکت هم از خود آن بخودی خود تولید میشود و حال آنکه چنین نیست بلکه اگر محرکی نداشته باشد مانند همین کارخانه قند بی حرکت خواهد ماند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ما هر چیز متحرکی را که ساخته بشر است مشاهده میکنیم می بینیم دارای يك نیروی حرکتی است که از خارج بآن می رسد. مثلاً کارخانه قند یا سایر کارخانه های دنیا بوسیله برق متحرک میشوند و همچنین عقربك ساعت بوسیله برق یا دست كوك میشود و بوسیله همین كوك شدن بحرکت می افتد و الا اگر اجزاء و آلات ساخته شود و آنها را طبق اصول فنی منظم و مرتب نمایند مادامیکه كوك نشده است متحرک نخواهد بود در حقیقت قوه محرک که ساعت كوك کردن آن است همچنین است حرکت جیوه در میزان الحرارة که نقطه صفر سکون آن است و حرارت و برودت است که جیوه را بیالا و پائین حرکت میدهد هر چه دائماً تصور کنید که دارای حرکت باشد نیروی محرک که آن از خارج بآن می رسد و بخودی خود نیروی حرکت تولید نمی شود. هنوز علم قادر نشده است که يك موجودی را بسازد که دائماً نیروی حرکت را خود آن چیز تهیه نماید هر چه ساخته است حرکتش موقتی و معلول علل دیگری می باشد.

غرق می‌شویم. و این قدریکه قادر بالذات است. قدرت دارد هر فعلی را که اراده کند بجا آورد. از روی استیصال و اضطرار نیست. مثل من و شما درمانده نمی‌شود و کسب نیاز از غیر نمی‌کند. آتش نیست. آب نیست. خاک نیست. جسم نیست. روح نیست. ذات است که دنیائی را در خیره گئی های نورش در احاطه دارد. اوست که همه چیز و همه کس را بوجود می‌آورد. مغزهای بزرگ، افکار عالی، چشمهای بینا و گوشهای شنوا و دستهای نیکوکار مردان باشهامت و زنان پرهیزکار همه از این چشمه نورخروشان ابدیت سرچشمه دارند. زشتی ها و زیباییها را تقسیم میکند حاجتی بدلیل و برهان ندارد. بپر که اراده کند می‌بخشد. و از هر که رویگرداند میستاند. آنچه را که بخشیده و ارزانی داشته. تمام هستیها و موجودیت ها. بذات پاك او تعلق دارد. مثل من و شما احتیاج بفضا و مکان و تکیه گاه ندارد. نیازی به بنیاد و ساختن و پرداختن برای زیستن ندارد. دنیا از او و عقبی از آن اوست تاریخ را ورق بزنیم. روی اتفاقات گذشته تکیه کنیم تا بهتر بایادآوری خدا و تجلی ذاتش تسکین و تزکیه یابیم. تا بهتر خدا را بشناسیم. در گذشته مردمی زندگی میکردند که درك کردند و فهمیدند که احتیاج و نیاز با ملجا دارند تا از درماندگیهای خود باو پناهانده شوند دورهم جمع شدند و بتهای سنگین و بر قیمتی ساختند و اسمش را خدا گذاشتند؟ بنا های عظیمی بنام معبد احداث کردند و بتهای ساخته دست بشر را در آن جای دادند و در پایش بسجده درآمدند تا عقده دل را بگشایند و نگفتنیها را بی پرده بیان کنند روی نیاز بر پایش گذاشتند و خواسته ها و نیاز مندیهها را از بت بی جانی توقع و تمنا کردند خدائی نمی‌شناختند جز اشکال بتها کرم خدا بیش از جرم ما است این جاهلان، وظیفه خواران خوان نعمتهای بیشمار ذات پاك خدا بودند این مردمان ابله و نادان مخلوق خالقی بصیر و توانا بودند که در بی خبری و در عالم توحش و جهالت میزیستند؟ خدا فرستاد پیامبرانی که مانند عیسی و موسی و هزاران پیامبری که جمله گئی بنور ابدیت خدا، بذات هستی بخش خدا ایمان داشتند و ذات احدیتش را چنانکه هست میستودند و برای شناساندنش زجرها ورنجهائی تحمل کردند و کم و بیش همه اطلاع داریم کسب توفیق هم کردند ولی در گوشه و کنار باز جمعیت فراوانی میزیستند که از شعور بهره و نصیبی نداشتند و هنوز از خشت و گل و از طلا و تفره خدا میساختند تا بر معابدشان مثل عروسک بر تخت بنشانند و خود بر دورش جمع شوند؟!

در آن ایام که کفر و بی دینی بر مذهب و ایمان بخدا تسلط داشت؟!

را مردمی شایسته از جمال و کمال، مزین بزینور شجاعت و درستی و شهامت و پاك دامنی و ارسته و بی نیاز، قد مردانگی و قدرت و تسلط نبوت را که نموداری از نور ابدیت و منشاء خواسته های احدیت بود تجلی کرد این نابغه اسلام و پیشوا و پرچم دار دین این سلطان پیامبران این ناجی دین و این قدرتی که مثل من و شما بصورت بشریت در میان مردم زندگی میکرد (محمد ص) فرستاده خدا بود برگزیده پروردگار ما و شاگرد

مکتبی بود که از نور و عظمت و پاکی ذاتش همه چیز را، همه صفات بر جسته را کسب کرده بود بامر خدا يك تنه بنام نمونه‌ئی از غضبش بر سر بتها در معابد نازل شد و بر مغز جاهلان دلیل و برهانش فرود آمد بتها شکست و معبد ها ویران شد در روی هر ویرانه‌ئی بادست پر قدرتش درفش با عظمت اسلام (نصر من الله وفتح قريب) باهتزاز درآمد و مردم جاهل را بدین اسلام دعوت فرمود مردم عامی و نادان قدرتش را سحر و جادو خواندند و بر او که بمقدساتشان بی احترامی کرده و بتهایشان را شکسته و معبدشان را ویران نموده بود انتظار غضب از خدایان گلی و سنگی داشتند؟ با تعجب دیدند بعکس انتظارشان بر نفوذ و قدرت و شہامت او روز بروز افزوده شده است و بمحمد ص بت شکن ملقب شد و هر روز بر تعداد پیروانش اضافه شد و مردم بر چهل و نادانی خود پی بردند و بدین کامل (محمد ص) ایمان آوردند قرآن و خواسته های خدا که بر او راقش نقش بسته بود آموختند و درك کردند و ریشه دین محکم تر و وجود ذات روشنتر از آفتاب بر دلها و دیده‌ها درخشیدن گرفت

امروز در تمام نقاط دنیا ملیونها مسلمان وجود دارند و بمذهب پاك اسلام احترام میگذارند و دین اسلام را قبول دارند. ولی باز هم کسانی یافت میشوند که با خلوص نیت نکات دین و مذهب را رعایت نمیکنند؛ یا میخواهند رعایت کنند؛ ولی هنوز در بی خبری و جهالت بسر میبرند؟؟ یا بادقت و توجه در سیر جهان نظر نمینمایند؟ حس نمیکنند که خدا بما ارزانی داشته حس را که ما را هدایت میکند و بما احساس و شعور داده برای تمیز نیک و بدها، برای آسایش و خطرها. اگر دقیق شویم هر گاه توجه کنیم این شعور و احساس در حیوانات هم دیده میشود!! جانورانی که معنی خطر را نمیفهمند و کسی باو نیاموخته و درش نداده که آتش میسوزاند و دریا غرق میکند و حیوان درنده‌ئی او را میدرد چگونه باشعور و حس عجیب خود همه چیز را احساس میکند معمولاً در مواقع طوفان و کولاک ها حیوانات و پرندگان چند ساعت پیش از وقوع طوفان یا زلزله بسرو صدا در میآیند و کوشش میکنند محل و مرکز خود را ترك میکنند بیشتر دیده شده است که بعضی از انسانها وقوع حادثه‌ئی را از اضطراب و نگرانی جانوران درك کرده‌اند و فهمیده‌اند. آیا این احساس از کجا است و چه کسی این همه حس و شعور را در ما بوجود آورد؟ آیا پدران و مادران هستند که هستی‌ها را بوجود میآورند؟ پس کدام عاملی آنها را بوجود آورد؟!

نتیجه ثابت است اگر دور و تسلسل را در میان آوریم میدانیم که درست نیست بالآخره راه تحقیق را هم طی کنیم نتیجه یکی است و آن نتیجه اعتراف و اذعان بذات خداوند است که موجد موجودات است